

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان مارکسیست – لنینیست افغانستان
۳۰ اکتوبر ۲۰۱۷

پیام به

سیمینار بین المللی پیرامون درس آموزی تنوریک و عملی از انقلاب اکتوبر

به ابتکار

سازمان (ایکور – ICOR) و «کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های مارکسیست – لنینیست» (ICMLPO)

به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر

۲۵ اکتوبر ۲۰۱۷

رفقای ارجمند شرکت کننده در آن گردهمایی بزرگ جهانی!

با تقدیم درود های رزم خدمت یکایک نمایندگان احزاب و سازمان های مارکسیست – لنینیست جهان در آن اجلاس بزرگ و با تشکر از دعوت برگزار کنندگان آن مناسبت سترگ برای اشتراک ما، از این که به دلیل شرایط ویژه حاکم و معاذیر تکنیکی قادر نیستیم تا در آن اجلاس شکوهمند و آموزنده اشتراک ورزیم، مایه تأسف ما است. رفقاء می دانند که ارزیابی همه جانبه از زوایای مختلف انقلاب کبیر اکتوبر این شگرف ترین پدیده انقلابی قرن بیستم و استخراج و توضیح درس های مبارزاتی لازم از دستاورد ها و کاستی های آن برای انجام بی انحراف وظائف انقلابی دموکراتیک و سوسیالیستی امروز و فردا، امری است نهایت خطیر و حیاتی. با استقبال از عطف توجه شما رفقاء به این مسئله مبارزاتی شاخص و ارجناک، یقین و انتظار داریم که سیمینار تنوریک تان در حد توان، به این مهم خواهد پرداخت.

ما با زیستن و مبارزه کردن در شرایط دشوار افغانستان اشغالی در تحت سیطره خونین و جابر امپریالیست های اشغالگر امریکا و ناتو و ارتجاع خونریز بومی، در موقعیتی نیستیم که با مراجعه به منابع و مآخذ لازم، اهم تلاش و توجه خود را وقف انجام این امر سترگ بنمائیم. بناءً، با واگذاری این وجبیه دشوار به شما رفقاء، طی این نامه صرفاً به نکات و جوانب معینی از پدیده چند بعدی اکتوبر اشارات کوتاهی می کنیم.

با ارسال این مختصر، خواستیم تا موافقت و تحسین خود را با شما در این امر شریفانه انقلابی شریک ساخته و به صورت غیرمستقیم، در آن اجلاس مشترک با شما رفقاء حضور به هم رسانیم.

انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ در روسیه، شگرف ترین و تأثیر گذار ترین تغییر انقلابی ایست که قرن بیستم به خود دیده است. این انقلاب، بزرگ ترین دستاورد در مبارزه طبقاتی پرولتاریای روس تحت هدایت آموزه انقلابی مارکسیسم – لنینیسم و به پیشاهنگی حزب پرولتری آبدیده بلشویک محسوب می شود. لنین چهار سال پس از حصول این دستاورد

مبارزه طبقاتی، آن را چنین توصیف کرد: "نخستین انقلاب بلشویکی، نخستین صد میلیون مردم روی زمین را از جنگ جنگ امپریالیستی و جهان امپریالیستی بدر آورد." (۱)

پیروزی انقلاب اکتوبر به بیان لنین در "یکی از قدیمی ترین، مقتدر ترین، وحشیانه ترین و ددمنشانه ترین رژیم های سلطنتی" و "تکیه گاه ارتجاع"، "پرولتاریای روس را پیش آهنگ پرولتاریای انقلابی بین المللی" مبدل کرده و به پرولتاریا و کمونیست های باختر سرمایه داری و خلق های در زنجیر و تحت ستم خاور و جنوب از قول طلایه دار این انقلاب پیام داد که "از این دوزخ نمی توان جز از راه مبارزه بلشویکی و انقلاب بلشویکی رهائی جست".

انقلاب اکتوبر در تداوم ظفرنموش ضمن پرداختن به کارزار سازندگی سوسیالیستی در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، تکنیکی و ایدئولوژیک، با غلبه بر توطئه ها و تجاوزات مشترک امپریالیست های باختر و ارتجاع شکست خورده روسیه (دول عضو انتانت شامل انگلستان، فرانسه و امریکا و کلچاک و دنیکین) جنرال های شکست خورده روسیه تزاری ("؛ با کسب دستاورد های شگرف و خیره کننده از لحاظ کمی و کیفی با آن سرعت بی سابقه با هدایت فکری مارکسیسم - لنینیسم، با پیشاهنگی حزب بلشویک به اتکای شور و خلاقیت شورا های کارگری - دهقانی و بسیج زحمتکشان فکری (روشنفکران)؛ کار " برانداختن بقایای نظامات قرون وسطائی و زدودن این بقایا تا آخر و تصفیه روسیه از وجود این بربریت، از این ننگ و از این بزرگ ترین ترمز هرگونه فرهنگ و هرگونه پیشرفت" را به اتمام رسانیده و علی رغم "مصائب دوران انتقال" با اعتماد به نفس معماران آن، در راه تأسیس کشور سوسیالیستی و دژی نیرومند و مستحکم انقلابی، پیش رفت.

پس از پیروزی انقلاب اکتوبر، حزب بلشویک با طرد انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم را در جنوری سال ۱۹۱۹ فراخوانده و سال بعد در آستانه گنگره دوم کمینترن، لنین در ماه جون طرح اولیه تری های مربوط به مسئله ملی و مستعمراتی را بیرون داد. گنگره دوم کمینترن با تصویب طرح لنین، به اشتراک ۴۱ نماینده از احزاب و سازمان های کمونیستی خاور و باختر ضمن محکوم کردن "ستمگری دیرین دول امپریالیستی بر خلق های مستعمرات و خلق های ضعیف" و "توده های زحمتکش کشور های ستمکش"؛ بر " لزوم کمک همه احزاب کمونیست به جنبش رهائیبخش بورژوا - دمکراتیک" کشور های تحت ستم رهنمود داده و تأکید عملی ورزید.

تأثیر گذاری روند پیروزمند و پیشرونده انقلاب بزرگ اکتوبر بر مبارزات پرولتاریا و کمونیست های باختر و خلق ها و آزادیخواهان دنیای مستعمرات خاور و جنوب، همزمان اهمیت فراقاره ئی یافته بود و لنین خیلی به موقع با درک این "اهمیت جهانی رهائیبخش" انقلاب اکتوبر، این تأثیر گذاری را بر ملل شرق و غرب و الهام از آن را، در یک سری سیاست ها و قطعنامه های کمینترن گنجانید.

نواختن بر شیپور پیروزی انقلاب اکتوبر، غلبه بر دشمنان داخلی و خارجی توأم با استقرار و سازندگی سوسیالیستی، موجد آن صلاهی مبارزاتی بود که به «بیداری آسیا» منجر شده و خلق های اسیر خاور با شنیدن این صلا و با دیدن این دژ و پشتگاه انقلابی، قامت راست کرده و به پا خاستند. مائو تسه دون در چین، ضمن استقبال از پدیده اکتوبر، در باره اهمیت تئوری انقلابی رهگشای مارکسیسم - لنینیسم و دستیابی خلق ستمکش چین بدان و بیداری وی در روشنائی آن، گفت که: "شلیک توپ های انقلاب اکتوبر در روسیه مارکسیسم - لنینیسم را برای چین به ارمغان آورد".

آری! در فردای پیروزی انقلاب اکتوبر و در فردای اختتام جنگ امپریالیستی جهانی اول، خلق ستمدیده و آزادیخواهان افغان با شنیدن صدای آن توپ ها و با الهام از مبارزات پیروزمند در همسایگی شمالی اش و در گرماگرم مبارزات رهائیبخش خلق های مستعمرات دولت استعمارگر امپریالیستی انگلستان آن روز در آسیا و افریقا، در سال ۱۹۱۹ پس از مصاف ضد استعماری پیروزمند با استعمارگر انگلیس در شکل قیام ملی به زعامت شاه امان الله، با طرح بورژوا -

دموکراتیک در افغانستان درفش استقلال برافراشتند. «اولین دولتی که این استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت، دولت جوان شورا ها به رهبری لنین بود. لنین ضمن به رسمیت شناختن دولت پادشاهی ضد استعمار انگلیس در افغانستان، تمام قرارداد های اسارتبار قبلی روسیه تزاری با حاکمان قبلی افغانستان را منسوخ اعلام داشت. بعد از اعلام استقلال افغانستان در ۲۸ فیروزی ۱۹۱۹ پادشاه افغانستان... از همه اول تر به شناختن دولت شوروی فدرالی روسیه و ایجاد مناسبات سیاسی، توسط مکاتبه و مبادله نمایندگان سیاسی پرداخت. دولت شوروی در ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ توسط اعلامیه ای استقلال افغانستان را رسماً شناخت. شاه امان الله خان در ۷ اپریل کتباً پیشنهاد دوستی افغانستان را با دولت شوروی، عنوانی رهبر بزرگ دولت انقلابی شوروی فرستاد...» (۲)

این شاه "امان الله" همان امیر افغان است که ستالین در "اصول لنینیسم" در موردش نوشت: "مبارزه امیر افغان برای استقلال افغانستان با وجود نظریه سلطنت طلبی او و اعوان و انصارش، از نظر عینی مبارزه انقلابی است، زیرا این مبارزه امپریالیسم را ضعیف و قوایش را تجزیه کرده و آن را از ریشه متزلزل می سازد".

انقلاب اکتوبر و دستاورد ها و دگرگونی های انقلابی که در عرصه های زیربنائی و روبنائی کسب کرده بود، همراه با دژ و تکیه گاه محکمی که این انقلاب برای انقلاب های خاور و باختر ایجاد کرده بود؛ از حملات چند جانبه و اژگون کننده امپریالیستی، از پا نیفتاد. این انقلاب و دستاورد های انقلابی در روند تکامل بعدی خود، با مساعد شدن زمینه های شکست و ربوده شدن دستاورد های خیره کننده انقلابی آن، از درون به تدریج از مواضع سوسیالیستی دور شده و سرانجام تغییر ماهیت داد.

این زمینه ها مدت ها قبل از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی منعقد سال ۱۹۵۶ و قبل از درگذشت ستالین، ایجاد شده بود:

۱. درک نادرست حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمینترن (بعد از مرگ لنین) از راه و نیروی محرکه انقلاب در کشور های تحت سلطه شرق و جنوب دارای ساختار نیمه فئودالی و دیکته و تحمیل کردن این خط نادرست توسط کمینترن (ستالین) بر انقلاب آن کشور ها مثل چین، هسپانیا و غیره به قیمت شکست آن ها یا هدر دادن نیرو و به تعویق افتادن پیروزی؛

۲. تحمیل جنگ دوم جهانی توسط امپریالیست های غربی با همه هزینه های هنگفت اقتصادی و تلفات انسانی آن برای زحمتکشان شوروی و بلعیده شدن منابع اعمار سوسیالیسم؛

۳. عدم وقوع انقلاب های پرولتاریائی در اروپا و امریکای شمالی از ۱۹۱۷ تا زمان بعد از جنگ جهانی دوم؛

۴. به کار نبستن دیالکتیک و مارکسیسم - لنینیسم در امر رهبری و تحلیل مسائل سیاسی، اقتصادی و برنامه ریزی؛

۵. درک نادرست از مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم و پایان یافته اعلام داشتن طبقات و مبارزه طبقاتی توسط ستالین؛

۶. از دست دادن کادر های برجسته حزبی به حیث معماران سوسیالیسم؛

۷. تضعیف رهبری جمعی و سائر موارد...

پس از درگذشت ستالین و به میان آمدن خروشچف خائن و تدویر کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی، این تغییرات تدریجی عدول از مارکسیسم - لنینیسم، دیالکتیک و مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم؛ در نقطه عطفی به تغییر کیفی (قلب ماهیت) سوسیالیسم در اتحاد شوروی منجر شد و کنگره نامبرده همان نقطه عطفی بود که بروز رویونیسم، انحراف از مارکسیسم - لنینیسم، خیانت به سوسیالیسم و گام گذاردن در جاده سرمایه داری را رسمیت بخشید.

تحکیم مواضع رویزونیستی بر سیاست های حزب و دولت شوروی آن وقت و تکامل آن، به "سوسیال امپریالیسم" انجامید؛ سوسیال امپریالیسمی با تمام شاخصه های پنجگانه بارز امپریالیسم که لنین در کتاب «امپریالیسم...» برشمرده بود. در نتیجه، این تکیه گاه انقلابی پرولتاریا، زحمتکشان و خلق های تحت ستم گیتی در مبارزه برای سوسیالیسم و رهایی ملی و اجتماعی، به یکی از مراکز عمده ضد انقلاب جهانی مبدل شده و همزمان با صدور سرمایه بوروکراتیک و سلاح، به صدور ضد انقلاب و رویزونیسم زرد در پوشش سرخ پرداخت.

هر چند رفیق مائو تسه دون و حزب کمونیست چین همراه با سائر نیرو های اصولی انقلابی وفادار به میراث گرانشنگ اکتوبر و مارکسیسم - لنینیسم، پولیمیک و کارزار مهم تئوریک و ایدئولوژیک - سیاسی را علیه رویزونیسم خروشچفی و سوسیال امپریالیسم به راه انداختند، ولی با تأسف، این تلاش اصولی تا طرح ایجاد یک انترناسیونال جدید بر پایه مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون، تکامل نیافت.

انحراف رویزونیستی از مسیر انقلاب اکتوبر، تکامل رویزونیسم تا سوسیال امپریالیسم و از دست رفتن دستاورد های اکتوبر، ابعاد جهانی داشت و بر روند مبارزات انقلابی برای سوسیالیسم و رهایی ملی و اجتماعی کشور های نیازمند انقلاب، تأثیری ناگوار بر جا گذاشت.

همان طور که در ابتداء کشور و مردم افغانستان از پیروزی انقلاب اکتوبر در همسایگی شان تأثیر مثبت برداشتند، این بار کشور، مردم و جنبش نوپای روشنفکری و انقلابی افغانستان از رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم به شدت و عمیقاً متأثر شدند. سوسیال امپریالیست های مسکو از همان اواسط دهه پنجاه م در کشور ما نیز با سیاست های توسعه طلبانه همزمان با صدور سرمایه و سلاح به صدور ضد انقلاب (اندیشه های ضد انقلابی رویزونیستی و ترویج آن در بین روشنفکران افغان) دست زدند. نتیجه این توسعه جوئی آرام و خرنده، اشغال نظامی کشور ما افغانستان در دسمبر ۱۹۷۹م بود.

این بار نیز خلق آزادی دوست افغان و نیرو های انقلابی آن به مصاف سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس رفتند. سازمان ما نیز در پیشاپیش این جنگ مقاومت ملی توده های مردم ما، در اولین روز تجاوز به مجازات اشغالگران روسی پرداخته و از موضع انقلابی در آن نبرد سهم گرفت. سازمان ما در سطح دنیا اولین سازمان انقلابی بود که از موضع مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون "سلاح انتقاد" از رویزونیسم را تا سطح "انتقاد با سلاح" علیه سوسیال امپریالیسم ارتقاء بخشید. با مداخله امپریالیست های غربی و ارتجاع منطقه از "اسلامیست ها" و بنیادگرایان اسلامی (مجاهدین)، وضع نیرو های انقلابی و ملی - دموکرات کشور ما دشوار تر شد. سازمان ما نسلی از بنیانگذاران و کادر های تراز اولش و صد ها عضو را از دست داد و نیرو های انقلابی به حاشیه رانده شدند.

شایان یادآوری است که اشغالگران رویزونیست روسی و عمال پلید بومی شان در «حزب دموکراتیک خلق» (PDPA) و دستگاه های شکنجه و جوخه های مرگ آنان به طور عامدانه بزرگ ترین دشمنی را با مارکسیست - لنینیست ها و باورمندان به ارزش های انقلاب اکتوبر در افغانستان مرتکب شدند. این دستگاه ها زیر نظر عمال کی جی بی، برای سرکوب و کشتار کمونیست ها و محاکمه زندانیان کمونیست، گروه های تحقیق و دادگاه های ویژه تشکیل دادند.

این جنگ تجاوزکارانه و اشغالگری سوسیال امپریالیسم برای کشور، مردم و نیرو های انقلابی کشور ما خیلی گران تمام شد و اثرات زیانبار ناشی از این تجاوز و پیامد های آن تا اکنون مشهود است:

- دو میلیون کشته (به شمول هزاران تن از رهبران، کادر ها و فعالان جنبش انقلابی و سازمان ما)؛

- حدود ۱۵۰ هزار گمشده (اکثر آنان فعالان سیاسی)؛

- پنج میلیون مهاجر به بیرون؛

- دو میلیون مهاجر داخلی؛

- حدود یک صد هزار معلول؛

- ویرانی ۸۰٪ مساحت کشور خارج از شهر ها؛

- ویرانی همه زیرساخت های اقتصادی افغانستان؛

- سی و شش میلیون ماین کاشته شده (دو ماین برای هر تبعه افغانستان ۱۸ میلیونی)؛

- قدرت گیری ارتجاع اسلامی نوع اخوانی های جهادی و بنیادگرا های طالبانی؛

- و در فرجام مساعد ساختن زمینه ها برای اشغال نظامی کشور ما توسط امپریالیست های اشغالگر امریکا و ناتو.

سوسیال امپریالیسم متجاوز و اشغالگر آن قدر خلق ستمکش و نیرو های انقلابی افغانستان را کوبید، که از فردای تجاوز مشترک امپریالیست های امریکا و ناتو به کشور ما تا همین حالا - هر چند مبارزه مردم و نیرو های انقلابی به ضد اشغالگران کنونی در اشکال سیاسی و غیره وجود دارد - از بسیج و راه انداختن یک جنبش مقاومت ملی - مردمی عاجز مانده اند. هم اکنون مزدوران رویزیونیست افغانستان با زد و بند با مرتجع ترین نیرو های مذهبی وابسته به ارتجاع فئودالی و امپریالیسم متجاوز، در خدمت سیطره استعماری امپریالیست های اشغالگر امریکا و ناتو خود را فروخته اند و به خلق ستمدیده و میهن ما خیانت می ورزند. تعدادی از این خودفروختگان و خانان رویزیونیست بومی بی هراس از مواخذه تاریخ در بیرون از کشور، در فضا های مجازی از وطن فروشی و کشتار و جنایات سیستماتیک حزب و دولت فاشیستی خود و ارباب اشغالگر و جنایتکار روسی شان دفاع می کنند.

این بود داستان دردانگیز خلق دربند و انقلابیون افغانستان از ناحیه خیانت تاریخی رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به انقلاب اکتوبر، به انقلاب جهانی و رهائی خلق های تحت ستم، جنایات ضد بشری آنان، و شمه ای از توسعه جوئی امپریالیستی سوسیال امپریالیسم متجاوز روس!

در پیامد خیانت تاریخی رویزیونیسم، جنایت و شکست سوسیال امپریالیسم و در متن تهاجمات گسترده امپریالیسم جهانی بر مارکسیسم-لنینیسم، سوسیالیسم؛ و میراث انقلاب کبیر اکتوبر و بر مقدرات پرولتاریا و خلق های تحت ستم دنیا؛ بر کمونیست های انقلابی جهان است که با تأکید مجدد بر بنیاد های ایدئولوژیک، خط سیاسی و مواریت گرانهای انقلابی انقلاب اکتوبر، خط تمایز بین مارکسیسم-لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون و سوسیالیسم با انواع رویزیونیسم کهن و مدرن، ترسیم کنند. با ترسیم خط روشن بین انقلاب و انواع ضد انقلاب و استخراج درس های لازم از این همه تجارب مثبت و منفی تاکنونی در راستای تقویت و گسترش ظرفیت های انقلابی و امر انقلاب، آن را متناسب با شرایط و ویژگی های انقلاب هر کشوری، با خلاقیت به کار بندند.

با اطمینان که سیمینار تئوریک شما رفقاء به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب اکتوبر، اقدام نیکو و ارزشمندی خواهد بود بابت تحقق این مأمول مشترک انقلابی.

- در اهتزاز باد درفش سرخ مارکسیسم-لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون!

- زنده باد میراث انقلابی انقلاب اکتوبر!

- زنده باد انترناسیونالیسم انقلابی پرولتری!

- مرگ بر رویزیونیسم، امپریالیسم و ارتجاع!

سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان (MLOA)

- (۱) سخنرانی لنین به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ مؤرخ ۱۴ اکتوبر سال ۱۹۲۱. مندرج در روزنامه "پراودا"، شماره ۲۳۴، مؤرخ ۱۸ اکتوبر سال ۱۹۲۱ م.
- (۲) م. غبار: «افغانستان در مسیر تاریخ. جلد اول»